



سرانجام پس از پیگیری ها و درخواست های مکرر، بالاخره افتخار برگزاری مصاحبه ای با دکتر مجید مخدوم دست یافت. مصاحبه با استادی که سراسر نشاط و شادابی است، بی شک مایه ای مباهات خواهد بود. در این مصاحبه بارها از مشکلات و معضلات موجود در حوزه محیط زیست و منابع طبیعی ایران سخن به میان آمد اما استاد همچون همیشه با سعه صدر، از روزه های امیدی که در این مسیر برای رفع مشکلات وجود دارد، سخن گفتند و از سرمایه ای گران بها یاد کردند، که اگر به آن اهمیت داده شود تمامی مشکلات مرتفع خواهد

مصاحبه با:
پدر علم نوین محیط زیست
مصاحبه کننده:
محمدصادق رهبانی،
علی محمودی از ناوه
تهیه و تنظیم: محمدصادق رهبانی



شد.

لقب «پدر علم نوین محیط زیست» را بدهند.

دکتر مجید مخدوم از سرمایه ها و افتخارات کم نظیر حوزه محیط زیست و منابع طبیعی ایران هستند اما برای افرادی که شاید آشنایی اندکی با ایشان داشته باشند، باید گفت که استاد در سال ۱۳۲۴ در شهرستان رشت دنیا آمدند و مدرک دکترای خود را در رشته ارزیابی اثرات محیط زیست و تعیین ظرفیت برد از دانشگاه ماکواری سیدنی در سال ۱۳۵۹ دریافت کردند.

مناطق چهارگانه سازمان حفاظت محیط زیست مثل پارک ملی، آثار طبیعی ملی و مناطق حفاظت شده و همین طور تالاب های زیر نظر سازمان حفاظت محیط زیست در یک وضعیت قهقرا قرار دارند؛ یعنی به طور کامل از بین رفته اند و با این وضعیت خیلی امیدی به احیای این مناطق هم نیست.

۱. وضعیت محیط زیست و منابع طبیعی ایران را چگونه ارزیابی می کنید؟

در ایران با معضلات محیط زیستی مختلفی چون فرونشست زمین، فرسایش خاک، سیل، مرتع و جنگل زدایی، خشک شدن تالابها، آلودگی هوای کلانشهرها و تالابها و دریاچه ها مواجه هستیم.

مناطق چهارگانه سازمان حفاظت محیط زیست مثل پارک ملی، آثار طبیعی ملی و مناطق حفاظت شده و همین طور تالاب های زیر نظر سازمان حفاظت محیط زیست در یک وضعیت قهقرا قرار دارند؛ یعنی به طور کامل از بین رفته اند و با این وضعیت خیلی امیدی به احیای این مناطق هم نیست.

همچنین دو بخش حفاظت شده سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری مثل پارک‌های جنگلی طبیعی و دست کاشت همچون دیگر مناطق در وضعیت بسیار بدی قرار دارند. به بیان دیگر در ۳۰ سال اخیر، جفای فراوانی به محیط زیست و منابع طبیعی ایران کردیم.

به قول پزشکان، "محیط زیست ایران در حال احتضار است، حال چه زمانی

از نفس خواهد ایستاد؟ مشخص نیست!"

۲. با توجه به مقالات اخیر پژوهشگران ایرانی در مورد حجم ذخایر آب‌های زیرزمینی ایران و نکاتی که فرمودید، چه آینده‌ای می‌توان برای محیط زیست ایران متصور بود؟



یکی از مسائل مهمی که حتماً باید به آن اشاره کرد، این است که افراد زیادی از خشکسالی و بحرانی که به تبع آن ایجاد می‌شود، یاد می‌کنند و تبلیغات رسانه‌ای گسترده‌ای نیز انجام شده است، ولی بنده با توجه به آمارهایی که از پلتهای خورشیدی دریافت می‌کنم، هر ۱۱.۵ سال خورشید باعث می‌شود که کره‌ی زمین ترسالی داشته باشد و ۱۱.۵ سال بعد خشکسالی.

این در حالی است که با وجود تاکیدات فراوان در بحث خشکسالی در ایران، کشور هم اکنون در ترسالی قرار دارد و با وجود قرار داشتن در ترسالی این مشکلات اساسی به وجود آمده است. در حقیقت "گرفتار تبعات خشکسالی در ترسالی شده‌ایم."

مثل این است که شما در بانک هزار تومان پس انداز کرده باشید که مثلاً ۲۰ درصد

به شما سود بدهد، به جای اینکه سالی ۲۰ درصد سود دهی داشته باشد و ۲۰۰ تومان عایدی شما باشد، سالی ۱۲۰۰ تومان برداشت کنید، در نتیجه سرمایه شما از بین خواهد رفت.

یکی از مهم‌ترین گرفتاری‌ها و مشکلاتی که در مورد آب داریم، این است که سرمایه‌هایی که داشتیم را بیش از ظرفیت تجدیدپذیری آن‌ها مصرف کردیم و این مطلب در تمام عناصر مختلف محیط زیست مثل مراتع، تالاب‌ها و... هم صادق است. به جای این که بیاییم، سرمایه‌ای که در اختیار داریم را مدیریت کنیم و سر و سامان بدهیم، شروع کردیم به مصرف و استفاده بی‌رویه از آن!!

اما با تمام این تفاسیر نباید ناامید شد. نکته امیدوارکننده‌ای که وجود دارد، این است که در ایران نیروی انسانی بسیار کارآمد و با پشتکار داریم.

حتی با وجود اینکه عده‌ی کثیری از این نخبگان از ایران خارج شده و مهاجرت کرده‌اند ولی حتی افرادی هم که رفته‌اند همچنان قلبشان برای این مملکت می‌تپد و دلسوزانه برای معضلات و مشکلات کشورشان راهکار ارائه می‌دهند.

بنده در طول دوران تدریس بیش از ۳۰۰۰ دانشجوی تربیت کردم که حدود

۱۶۰۰ نفر از این دانشجویان در خارج از کشور حضور دارند، نکته جالب این جا هست که آن ۱۶۰۰ نفر دانشجوی بیشتر با بنده در تماس و مکاتبه هستند تا بقیه دانشجویانی که در ایران حضور دارند. این مطلب نشان دهنده میزان علاقه و ارادت آن‌ها به کشورشان است.

زنده یاد دکتر حجازی (بنیان‌گذار دانشکده منابع طبیعی در ایران) یک فرمایش بسیار مهمی داشتند، که

میگفتند: «از زمان نادرشاه حکومت‌های مختلف به منابع طبیعی و محیط زیست ایران به طرق مختلف آسیب‌رسانی کردند و از این منابع بدون توجه به ظرفیت تجدیدپذیری آن‌ها برداشت کردند، ولی آن قدر منابع طبیعی ایران غنی است که همچنان دارای ظرفیت هست و پابرجا مانده!»

بنده در زمان دانشجویی خودم نگران این موضوع (آسیب‌رسانی گسترده به منابع طبیعی و عدم توان احیای آن) بودم ولی ایشان به ما اطمینان دادند که اولاً بایستی دانشجویانی را برای صیانت از این منابع گران‌بها تربیت کرد ثانیاً ظرفیت و پتانسیل منابع طبیعی ایران به نحوی است که همچنان پابرجا خواهد ماند.

یکی دیگر از مسائل مهمی که در محیط زیست مطرح شده و بسیار در پیش‌بینی

وضعیت آن در آینده تاثیرگذار است، مبحث فناوری‌های جدید است. بنده حداقل در یک مورد سعی کردم که فناوری‌های جدید را وارد کنم. کتاب شالوده آمایش سرزمین را در همین راستا تالیف کردم ولی دیدم که کفایت نمی‌کند لیکن در حال ترکیب این کتاب با فناوری‌های جدید (GIS) هستم، تا پروژه‌ای را که بایستی سه ماه برایش وقت گذاشت در سه روز انجام شود.

یکی از نمودهای بهره‌گیری از فناوری‌های جدید در کشاورزی اتفاق افتاده، آنجا که با استفاده از تکنولوژی، محصولی را که در ۲۰۰ هکتار حاصل می‌شود اکنون در سه هکتار قابلیت تولید دارد. هم چنین با دورگه‌گیری هم خیلی از محصولات را نجات دادیم. البته دورگه‌گیری که همگام با طبیعت باشد و نه دستکاری ژنتیکی!



دورگه‌گیری دو مشکل اساسی را حل کرده است، در وهله اول، کم محصولی را به پُر محصولی رسانده و دوم اینکه از بحران آفات و بیماری‌ها جلوگیری کرده است. نکته مهم در دورگه‌گیری این است که، این فرآیند باید بین پایه‌ی وحشی و پایه‌ی اهلی باشد و همگام با طبیعت، در این صورت وارپته‌هایی (زیرگونه) ایجاد می‌شوند که هم در برابر آفات و بیماری‌ها مقاوم هستند و هم پُر محصول. عرض من این است که فناوری "ما" در این جهت بسیار کاربردی است. یعنی فناوری که بومی شده و ما با نیروی انسانی کارآمد خودمان می‌توانیم آن را اجرا کنیم.

خلاصه کلام، باید پشتکار داشت، اصرار داشت و رفت به دنبال فناوری‌های جدید. ول کردن، موضوعی را حل نمی‌کند.

بنده امیدوارم که با توجه به نیروی انسانی و استفاده از فناوری‌های جدید، اقدامات ارزشمندی در جهت صیانت از منابع طبیعی و محیط زیست ایران انجام شود. البته به این مشکل هم بایستی توجه کرد، که عمده دانشجویان و دلسوزان محیط زیست ناامید هستند، به خاطر ناعدالتی‌ها، رانت‌ها و فسادى که در دستگاه‌های مختلف وجود دارد. خوشبختانه درصد کمی از جامعه گرفتار رانت‌خواری و فساد شده‌اند ولی همین درصد کم سبب بسیاری از ناامیدی‌ها می‌شود. امیدوارم که با کمک جوانان این مسیر نیز هموار شود.

جا دارد به یکی از مشکلاتی که بعضی از جوانان به آن دچار شده‌اند نیز اشاره کنم، این مشکل کم ایمانی‌ست؛

البته مقصود بنده لزوماً ایمان مذهبی نیست، بلکه ایمان به مسائلی است که خداوند به آن مقدر کرده است و ایمان به کاری که انجام می‌دهند.

ارائه روش کار و ۳۰ درصد هم در اختیار دولت برای امور اجرایی. با وجود این که "آگاهی‌های محیط زیستی مردم در چند سال اخیر بسیار بالا رفته است"

۳. به نظر شما عمده مشکلات محیط زیستی ناشی از ضعف در مدیریت‌های کلان کشور است یا فرهنگ‌سازی عمومی؟

هر دو؛ بنده همیشه گفتم ۵۰ درصد محیط زیست در اختیار مردم است، ۲۰ درصد در اختیار استاد و کارشناس برای

مخصوصاً در مقایسه با دهه‌های قبل اگر این آگاهی‌های محیط زیستی که هم اکنون در حدود ۶۰ درصد است، به ۹۰ درصد برسد شاهکاری به وقوع پیوسته که خود به تنهایی می‌تواند حلال مشکلات باشد.



۴. محیط زیستی کشور را در خصوص انرژی‌های نو و تجدیدپذیر چگونه ارزیابی می‌کنید؟

سه کشور این مشکل را حل کردند و در بحث انرژی‌های نوع اقدامات ارزشمندی انجام دادند؛ مثل آلمان که بخش زیادی از انرژی خود را از خورشید تامین می‌کند یا هلند که از انرژی آبی استفاده زیادی کرده است اما در ایران که ظرفیت‌های زیادی در این حوزه است (مثل کویر و بیابان‌ها) به دلیل اقتصاد نفتی متأسفانه توجهی به این قبیل مسائل نمی‌شود.

بعضی از کشورهای منطقه که مثل ما درگیر همین اقتصاد نفتی هستند، اقدامات ارزشمندی در خصوص انرژی‌های تجدیدپذیر انجام داده‌اند.

"فاصله گرفتن از اقتصاد نفتی و عدم تکیه بر آن می‌تواند نگاه و رویکرد کشور را به مباحث دیگر اقتصادی همچون انرژی‌های نو و توریسم بهبود بخشد."

۵. به نظر شما علت آتش‌سوزی‌هایی که هر سال در جنگل‌های زاگرس روی می‌دهد، چیست؟

علت عمده این آتش‌سوزی‌ها انسانی و عمدی است. مسئله اصلی این است که به معیشت و زندگی مردم جنگل نشین فکر نشده است، "وقتی در جهت توسعه کیفیت زندگی مردم این نواحی حرکت کنیم دیگر برای به دست آوردن هیزم و زغال، درختی قطع و یا جنگلی به آتش کشیده نمی‌شود."

در این بخش بیشتر در کنار ضعف مدیریت، ضعف برنامه‌ریزی داریم. اگر به مدیر، برنامه صحیح آمایشی بدهیم، می‌توان بر همان اساس از او گزارش عملکرد خواست. البته که اقدامات ارزشمندی در جهت ارائه برنامه‌های کاربردی آمایشی همچون برنامه چهارم شده‌است ولی متأسفانه در سال ۱۳۸۶ وقتی تمام ابعاد آمایشی ایران مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و قرار بود از اسفند ۱۳۸۷ این برنامه در کشور اجرایی شود با حکم دولت وقت، کلیه تحقیقات بایگانی شده و دفتر آمایش سرزمین منحل شد!

۶. از عباراتی که توسط شما مطرح شده است، عقب‌نشینی پایدار در مقابل توسعه پایدار است، در مورد این مفهوم توضیح می‌فرمائید؟

مفهوم عقب‌نشینی پایدار نخستین بار توسط جیمز لاولاک مطرح شد. با اینکه ایشان پزشک است ولی مطالعات گسترده‌ای در حوزه محیط زیست انجام دادند. این تئوری بر این اساس است که آمار و ارقام نشان می‌دهد با توجه به آسیب‌ها و صدمات اساسی که انسان به محیط زیست وارد کرده است، بایستی عقب‌گرد کرد و در وهله اول به فکر جبران این صدمات برخاست سپس توسعه آن.





۷. وضعیت احیای دریاچه ارومیه

از نظر شما؟

۸. وظیفه دانشجویان در وضعیت

کنونی چیست؟

متأسفانه همان‌طور که گفتم، بسیار از سرمایه‌های طبیعی خودمان استفاده کردیم بدون توجه به ظرفیت آن‌ها و اکنون با این طرح‌ها برای احیاء نیز اتفاق خاصی نخواهد افتاد. تا زمانی که کار کارشناسی انجام نگیرد.

اولا درس بخوانید، خدا روزی‌رسان است. بنده همیشه یک ضرب‌المثل می‌زنم که از تو حرکت از خدا به اندازه همان حرکت، برکت.

سخن آخر...؟

تمام این گرفتاری‌ها و مشکلاتی که بیان شد، همیشه و در تمام دوره‌ها وجود داشته است ولی نکته امیدوارکننده اینست که قابل حل است، منتهی یک سعه صدر و پشتکار برای رفع آن‌ها مورد نیاز است در کنار توجه به نیروی انسانی مستعد و فناوری‌های جدید.

"جوانان باید با پشتکار، امید به خدا و سعه صدر مسیر علم‌آموزی خودشان را ادامه دهند."

